



در این هنگام پطرس پیش آمد و پرسید استاد برادری را که به من بدی میکند تا چند مرتبه باید ببخشم؟ آیا هفت بار؟ عیسی جواب داد نه هفتاد مرتبه هفت بار. آنگاه افزود وقایع ملکوت آسمان مانند ماجرای آن پادشاهی است که تصمیم گرفت حساب‌های خود را تسویه کند. در جریان کار یکی از بدهکاران را به دربار آوردند که مبلغ زیادی به پادشاه بدهکار بود. اما چون پول نداشت که قرضش را بپردازد پادشاه دستور داد در مقابل قرضش او را با زن و فرزندان و تمام داراییش بفروشند. ولی آن مرد بر پاهای پادشاه افتاد و التماس کرد و گفت ای پادشاه استدعا دارم به من مهلت دهید تا همه ی قرضم را تا به آخر پرداخت کنم. پادشاه دلش به حال او بسوخت، پس او را آزاد کرد و قرضش را بخشید. ولی وقتی این بدهکار از دربار پادشاه بیرون آمد فوراً به سراغ همکارش رفت که فقط صد تومان از او طلب داشت. پس گلوی او را بفشرد و گفت زودباش پولم را پس بده. بدهکار بر پاهای او افتاد و التماس کرد خواهش میکنم مهلتی به من بده تا تمام قرضم را پس بدهم. اما طلبکار راضی نشد و او را به زندان انداخت تا پولش را تمام وکمال بپردازد. وقتی دوستان این شخص ماحرا را شنیدند بسیار اندوهگین شدند و به حضور پادشاه رفته و تمام حریان را به عرض او رساندند. پادشاه بلافاصله آن مرد را خواست و به او فرمود ای ظالم بی جنس من به خواهش تو آن قرض کلان را بخشیدم. آیا حق نبود تو هم به این همکارت رحم میکردی همانطور که من به تو رحم کردم؟ پادشاه بسیار غضبناک شد و دستور داد او را به زندان بباندازند و شکنجه دهند تا دینار آخر قرضش را نپرداخته آزادش نکنند. بله و این چنین پدر آسمانی من با شما رفتار خواهد کرد اگر شما برادران را از ته دل نبخشید.

قرض هایی وجود دارند که ما دیگر نمیتوانیم پرداخت کنیم. در طی قرون گناهان پدران به فرزندان انتقال پیدا میکنند ولی در این بین قرض هایی وجود دارند که هرگز قابل اصلاح کردن نیست. حتی اگر ما میخواستیم که این گناه را اصلاح کنیم باز هم اینکار ناشدنی بود. حال این گناهی که هیچ راهی برای بهتر شدنش وجود نداشت چه کسی میتواند آن را تغییر دهد؟ تمام جنگ‌هایی که در دنیا وجود دارند محصول قرض ها و گناهایی است که پرداخت نشده اند. ما حتی در این مورد هیچ حرفی نمی‌زنیم و در مورد تمام گناهایی که ما و فرزندان ما باید به دوش بکشند ساکتیم. کلماتی وجود دارند که انسانهای دیگر را ناراحت میکنند. و این حالت باعث دعوی بزرگی خواهد شد و در نتیجه باعث جدایی ما انسان‌ها از هم می‌شوند و دوستی‌ها هم از این طریق از هم میپاشند. حتی بعضی از مواقع با نگاهی با عت کناهی خواهیم شد که

فرزندان و نسل های بعد از ما این گناهان را به دوش میکشند و زیر چتر این گناه ما زجر میبینند. در مثلی که مسیح امروز برای ما بیان میکند او از قرضی سخن به میان می آورد که قابل پرداخت نیست. در آن زمان ده هزار سکه ی نقره با پول امروزی معادل میلیون ها تومان است. این به این معنی بود که آن مرد در تمام عمرش در زندان هم نمیتوانست آن را پرداخت کند. موقعیتی که آن مرد داشت کاملاً نا امید کننده بود و به هم جهت او در مقابل پادشاه زانو زد و طلب بخشش کرد. در آخر مسیح این پادشاه را با خداوند مقایسه میکند و در واقع منظور از پادشاه همان پدر ما خداوند آسمانی است. دقیقاً خداوند هم کاری میند که از آن پادشاه انتظارش نمیرفت. او موقعیت بد خادم خود را میشناسد. و او میداند که آن مرد نمیتواند قرض خود را پرداخت کند. بلکه خداوند به قرض هایی که آدم را در موقعیت نا امید کننده ای قرار میدهد نگاه نمیکند. او قلب هایش را آن زمان میگذارد که بتواند ساده از کنار قرض هایش بگذرد. خادم برای قرض هایی که داشت یا باید آنها را پرداخت میکرد یا اینکه باید کاری میکرد که آن قرض و اشتباه خود را اصلاح کند، ولی او از تمام قرض هایی که داشت بخشیده شد. هنگامیکه پطرس رسول از مسیح این سؤال که که آدم چند بار باید برادر خود را ببخشد او اینگونه جواب داد. در واقع سؤال پطرس واضح نبود، پطرس هم انتظار این همه بخششی را که مسیح از مثلی را که آورد نداشت. و او متوجه شد که مسیح کارهای باورنکردنی را انجام میدهد. او حتی بزرگترین و بدترین گناهان را خواهد بخشید. زیرا پطرس که یک یهودی بود باید میدانست که طوری سؤالش را بیان کند که حد و مرزی در آن وجود داشت. زیرا در قانون یهودیت یک گناه باید اصلاح و درست میشد. و در قانون یهودیت هم حد و حساب خاصی وجود داشت. مثلاً تا یک حدی باید بخشش صورت میگرفت نه بیشتر. به همین خاطر برای پطرس مهم بود که مرز بخشش حد و حسابی میداشت. جوابی که مسیح به او داد نه هفت بار بلکه 70 بار 7. با این جوابی که او داد مشخص کرد که برای بخشش حد و مرزی وجوئ ندارد و بعد با مثلی که از آن پادشاه به میان آورد نشان داد که او بزرگترین گناهان را خواهد بخشید. و او میخواهد این را هم به رسولانش و هم به ما بگوید که خداوند به همین شکل ساده خواهد بخشید. کسی در دنیا وجود ندارد که دارای قرض های فراوانی نباشد و به همین جهت مسیح میخواهد به ما بگوید که ما نیز باید چشم به راه بخشش او باشیم. بلکه مسیح در این داستانش از پادشاهی میگوید که مانند پادشاهان دیگر نیست زیرا خیلی کم پیدا می شود که خادمی به سادگی بخشیده شود چون در غیر این صورت او با تمام خانواده اش باید عمرش را در زندان سپری میکرد. ولی او بی دلیل و ساده بخشیده شد زیرا این خواست خود پادشاه بود.

ولی وقتی او آزاد شد از همکاری میخواست که تمام قرضش را به او باز گرداند. و او دقیقاً بر خلاف پادشاه خود عمل میکند. او به بخشش فکر نمیکند و فقط به حساب خود فکر میکند. طلبی که او از آن شخص داشت حتی کمتر از قرضی بود که به او بخشیده شد. او نشان داد که هیچ بخششی به خادم خود ندارد. او تنها با خادم خود درگیر نشد بلکه او را هم به زندان انداخت. تا لحظه ای که آخرین دینار او را نپردازد. و به همین خاطر پادشاه هم با فهمیدن این داستان او را به زندان انداخت. مسیح هم در آخر نتیجه را بیان میکند. پدر آسمانی من هم با شما چنین خواهد کرد اگر شما از ته قلب برادر خود را نبخشید.

بله من در اول این داستان این را هم بیان کردم که ما نمیتوانیم قرض خداوند را پرداخت کنیم و هنوز هم هر روز گناهی به گناهان ما افزوده خواهد شد. به همین دلیل هر بار ما به پدر آسمانی خود دعا میکنیم. و از او تقاضا میکنیم که گناهان ما را ببخشد. مسیح به ما یای میدهد که همیشه دعا کنیم. زیرا این برنامه ی خود اوست برای بخشش ما. ما نمیتوانیم قرض خود را پرداخت کنیم فقط ما میتوانیم منتظر بخشش باشیم. این تنها خداوند است که گناهان را میبخشد و اوست که توان بخشش هر گناهی را دارد. و در آخر او ما را دعوت میکند که با او باشیم. ما باید از او بخشش را بیاموزیم و یاد بگیریم که چطور دیگران را ببخشیم. ما باید به ترس از بخشش غلبه کنیم و این انقلابیست واقعی! در دنیای امروزی ما هر روز خون بیشتری ریخته و جنگ بیشتری رخ میدهد. ولی خداوند از طریق عیسی مسیح کاملاً یک راه جدید را به ما ارائه میدهد و به همین جهت ما به دنیای خود چنین هدیه ای را به دنیای خود میدهیم که به آن نیاز دارد. هدیه ما به دنیا بخشش و آزادی است.

خدایا به ما نشان بده که کجا مرتکب گناه شده ایم. به ما یاد بده که معنی بخشش را خوب درک کنیم. و به ما اجازه بده که نور تو را در جهان روشنی بخشیم. از طرق عیسی مسیح کسی که او این کار را برای ما انجام داد. آمین.